



# چشم‌ها و گوش‌ها

## جنبش خشونت‌پرهیز

داریوش آشوری جامعه‌شناس و اندیشمند ایرانی در گفت‌وگویی به تشریح دیدگاه خود در مورد جنبش سبز پرداخته که سزایده‌ای از آن را برای خوانندگان نشریه در نظر گرفته ایم:

روش خشونت‌پرهیزی جنبش سبز، خودبازتابی از فلسفه سیاسی تازمات‌گرا است در دنیای برابری، تکیه گاه این فلسفه، اصل رواداری و کثرت‌باوری است. بیاتیه هدفم هم شامل اعلام کمترین خواسته‌ها برای عمل سیاسی است که می‌تواند همه هواداران رواداری و کثرت‌باوری را از هر طیف باور سیاسی و دینی، در فضای امکان‌کنونی گردهم آورد.

جنبش سبز گام به گام و شمرده حرکت می‌کند و برخلاف انقلابیون سده گذشته به دنبال این نیست که همه چیز را یک شبه زیر ویز کند و با سرعت برق و باد، جهانی آرمانی بنا کند، چون فضا، فضای دیگر است و رواداری و کثرت‌باوری از اصول ارزشی و نظری این جنبش است.

جریان مطلق‌نگر و مقتدر، سرانجام خود را درین بستی گیر انداخته که راه خروجی از آن نیست، تنها راه خروج برای آن، کنار آمدن با جنبش سبز است، روشی که این جنبش در پیش گرفته یعنی دنبال کردن خواسته‌های قانونی خود با پیگیری و جدیت، اما با خشونت‌پرهیزی، جنبشی امیدبخش، نه تنها برای مردم ایران که برای مردم جهان پدید آورده است. این روش در درازمدت می‌تواند سبب جذب نیروهای طرف مقابل شود، هم‌اکنون هم در میان طیف محافظه‌کار کسانی هستند که به این نتیجه رسیده‌اند که فشار، دیگر روش کارآمدی برای برخورد نیست و نمی‌تواند بحران را پایان بخشد. جنبش نشان داد که به خوبی معنای مبارزه بی خشونت را می‌فهمد. مبارزه بی خشونت به معنای تسلیم مطلق در برابر هر وحشیگری از سوی نیروهای فشار نیست، بلکه در برابر آن حق دفاع مشروع، چو از اخلاقی دارد.

آقایان موسوی و کروبی هیچ‌یک از شمار و هبران فره‌مند (کاربر ماتیک) نیستند که در سده گذشته، در کشورهای گوناگون از جمله ایران، عنان رهبری جنبش‌های ملی را به دست داشتند و خودشان هم چنین

ادعایی ندارند، اما استوازی‌ای که این دو در دفاع از آرمان‌های سیاسی خود و مردم نشان داده‌اند سبب شده بی آن که خود خواسته باشند به صورت ادوفاکتو در چنین جایگاهی قرار بگیرند. من از نزدیک هرگز ویداری با این دو نداشته‌ام، اما دو را در احساس می‌کنم که ایمان درستی دارند و به حرفی که می‌زنند صادقانه باور دارند و این شجاعت را دارند که بر سر حرف در دست خود بایستند. هوشمندی این جنبش است که برای رسیدن به هدف خود روش‌ها و امکان‌هایی را به کار می‌گیرد که بیشترین بازتاب و کمترین آسیب‌رادی داشته باشد.

\*\*\*

## عنصر نامه‌طلب دولت

سعیدی، نماینده ولی فقیه در سپاه گفت: پابندی به ولایت فقیه، قانون اساسی و فرامین امام راحل، معیارهای امروز برای حفظ انقلاب است. او که در جمع ائمه جمعه شهرستان شاهرود سخن می‌گفت ضمن تکرار ادعای روزنامه کیهان مبنی بر این که خاتمی به علت عدم اقبال عمومی در سفر به شیراز از نامزدی در انتخابات منصرف شده، موسوی را جایگزین مناسبی برای نامزدی در انتخابات دانست.

حجت‌الاسلام سعیدی در ادامه با بررسی نقش هاشمی چنین ادامه داد: نامه سرگشاده هاشمی رفسنجانی به رهبری به جامعه شوک وارد کرد، روز شنبه ستاد ابطال با حضور هاشمی، خاتمی و دیگران تشکیل جلسه داد و راهپیمایی خلاف قانون برگزار شد.

سعیدی با اشاره به راهپیمایی‌های خیابانی گفت: «طرح انقلاب خون می‌خواهد از سوی حجاجیان مطرح شده، نماینده ولی فقیه در سپاه، موسوی خوئینی ما را تئورسین این ماجرا و مردم‌خاکستری فتنه‌ناמיד. همچنین ایشان سوخت موسوی و کروبی را پایان یافته اعلام کرد.

حجت‌الاسلام سعیدی در پاسخ به پرسشی در خصوص مشایخی گفت: «وی عنصر مطلوبی نیست و اگر نمره احمدی نژاد ۷۰ باشد باید این انتصاب ۱۸ می‌شود.»

\*\*\*

امام جمعه شمشیرانات: ادبیات چاله‌میدانی در شان

## شخصیت‌های انقلابی نیست

(کتاب یزد، بهمن ۱۳۸۸)

محسن دهنو: زبان ناسزاگویی و پرخاشگری با هیچ عقل و منطقی سازگاری ندارد، فضای تعقل را به فضای تخاصم تبدیل می‌کند بهر تنش می‌افزاید و راه ورود شیطان را به عرصه احساسات می‌گشاید.

در هیچ آیینی ناسزاگویی، بد اخلاقی، اهانت‌گری و اتهام‌پراکنی، زبان تبلیغ و ترویج و جذب و همگرایی نیست.

امام جمعه شمشیرانات جبهه ترشان تقابل ساز و با وحدت و عزت ناساز را دشمنان اسلام، امام (ره)، نظام، رهبری دینی، مردم بیگانه‌ستیز ایران اسلامی، اولیای شیطان و دشمنان تمدن و تکامل انسان نامید. جریانات فتنه‌پسند توطئه، درگیری، تضعیف و تخریب شکوه و شکوفایی دینی و ملی در بستر تندروی و کندروی سیاسی استقرار یافت و ارکان اعتبار و اقتدار ملی را با طراحی توطئه‌های نوین و فتنه‌های مطلوب شیاطین هدف گرفت، با شیطنت تمام، پیشینه نظام و حلقه‌های مدیریت نظام از زمان امام (ره)، تا عصر حاضر و نسل معاصر را با آفت تردید روبه‌رو کرد، کارایی برترین نظام فکری و پویاترین نظام سیاسی-اجتماعی را زیر سؤال برد، به گوه راه امید و اعتماد مردم تاخت و به رضم دستاوردهای افتخار آفرین، ارزشمنند و کم نظیر، پیدایش بی‌اعتمادی و ناامیدی و بلست‌سازی کرد.

\*\*\*

## راه‌حلی برای حل اختلاف‌ها

(منبع: خبر آنلاین)

این روزها [فلاحیان] همراه با دیگر ریش سفیدان در پی راه‌حلی برای حل اختلاف‌ها، اولین گام را در مجلس خبرگان برداشته است، اما نه راه‌حلی از جنس میانجی‌گری آیت‌الله مهدوی کنتی که به باور او این تنها یک گام ابتدایی است، چرا که مسائل پس از انتخابات، از سران عبور کرده و به بدنه جامعه و خانواده‌ها کشیده شده، بلکه راه‌حلی که در آن باید مسائل بسیاری روشن شود. اگر طرفی هم اشتباه کرده باید بگوید اشتباه کردم تا مردم بفهمند و سوءنیتی نداشته و قصص زورگویی ندارد.

را [او] اظهار نظرهای بدون ملاحظه در جریان انتخابات را از عوامل تشدید کننده فتنه اخیر خداده معرفی می کنند. باو گفت بسیاری وقت ها وزارت اطلاعات خبرها را می دهد اما به آن توجه کافی نمی شود... توصیه ما هم به وزارت اطلاعات و هم به دستگاه خبری این است که این مسائل را جامع بندی کنند و بنشینند با مردم، جوان ها و دانشجویان گفت و گو کنند و آن وحدت ملی را تقویت کنند.

فلاحیان گفت: پایگاه و ولایت فقیه را تقویت کنیم، روی اتحاد سرمایه گذاری کنیم و جمهوری اسلامی را تقویت کنیم. اتحاد روی محور ولایت فقیه و تقویت جمهوری اسلامی باید پریز نامه ما باشد.

\*\*\*

### ریشه اختلاف های انتخابات

(آرمان، ۲۲ دی ۱۳۸۸)

سردار سر لشکر محمد علی جعفری: ریشه اختلاف های انتخابات و ماه فتنه پس از آن، بر سردو دیدگاه اساسی بود؛ یکی راه اسلامی و دیگری راه دنیایی؛ چرا که در همه زمینه ها نوع مدیریت، اقتصاد، مسائل سیاسی و فرهنگی و نحوه توزیع ثروت های ملی همراه با عدالت خود را نشان می داد. این در حالی است که شناخت این راه و مخالفان آن و چهره واقعی افراد دشوار است و مردم آگاه ایران باید نسبت به آن آگاهی داشته باشند. وی ادامه داد: مستأفانه افرادی در لباس روحانیت، ولایت فقیه و حکومت دینی را قبول ندارند و معتقدند حکومت دینی مختص امام معصوم (ع) است، اما در عمل تلاش می کنند ماهیت دینی حکومت اسلامی کمرنگ شود و به دنبال غیر دینی کردن حکومت، مبانی آن را توضیح می دهند و جهت تضعیف ولایت فقیه تلاش می کنند. هدف اصلی فتنه گران، کم کردن اختیارات ولایت فقیه و تبدیل به مقام تشریفاتی و در واقع کمرنگ کردن اسلامیت جامعه است بدون این که در عمل بگویند جمهوری نظام را هم قبول ندارند. فرمانده سپاه گفت: بخشیدن اغتشاشگران بخصوص اغتشاشگران روز عاشورا عملی نیست و حتی اگر کسی هم بخواد مردم اجازه بخشش نمی دهند.

\*\*\*

### مرگ خواهی در مقوله های معرفی

در قانون اساسی به صراحت مشروعیت نظام، نهادها و شخصیت های جمهوری اسلامی، وابسته و مشروط به انتخاب مردم است و حتی شخص رهبر نیز رسمیت و مشروعیت را پس از رأی و انتخاب مردم پیدا می کند، چون ولایت فقیه هر صورتی که داشته باشد هر چند نصب عام، اگر بخواهد از مقام ثبوت به مقام اثبات و خارج تبدیل شده و بالفعل شود در میان مدعیان بسیار که همواره وجود دارند نصرفا وابسته به تشخیص، شناخت، اعتماد و انتخاب مردم است که مستقیم از سوی مردم (چنانچه در مرجعیت فتوادر طول تاریخ انجام گرفته است) و یا به وسیله خبرگان منتخب مردم (چنان که در قانون اساسی وجود دارد) است. همچنین فتوای یک فقیه یا گروهی از فقها که چه برای مقلدان آنها حجت شرعی تلقی می شود، اما برای این که

در چارچوب اداره کشور قرار گیرد و تبهیت از آن برای تمام ملت الزام آور باشد نمی تواند منکی و مبتنی بر فتوای یک فقیه یا گروهی از فقها قرار گیرد، بلکه باید به عنوان یک میثاق ملی و قانون اساسی مورد پذیرش و قبول قاطبه ملت باشد، چرا که در کشور ما بخشی از مردم را برادران و خواهران اهل سنت، اقلیت های مذهبی و یانادین محورو بخشی را هم متشوعان شیعی تشکیل می دهند که ولایت فقیه را که یکی از اصول قانون اساسی است قبول ندارند. حتی برخی از علمای بزرگ شیعه همچون شیخ انصاری، آخوند خراسانی و آیات عظام سید محسن حکیم و خوبی و برخی از مراجع درجه یک کنونی به ولایت فقیه فتوان داده و آن را حکم شرعی نمی شناسند. افزون بر این، با این که مرحوم امام بنیانگذار جمهوری اسلامی به ولایت مطلقه فقیه فتوای دهند و مطلق فقیه جامع شرایط و منصوب به نصب عام می دانند، هیچ کس به اندازه ایشان به رأی و اراده عمومی در میان رجال جمهوری اسلامی تکیه نکرده اند و در این جهت بیانات فوق العاده صریح و روشنی از ایشان وجود دارد که همه آشنا هستند و نیاز به تکرار آنها نیست. ۱۱)

از آنجا که بسیاری از مراجع عظام بر اصل ولایت فقیه فتوان داده و آن را قبول ندارند بنابراین شمار مرگ بر ضد ولایت فقیه در واقع تو هینی است به بسیاری از علما و مراجع، که این اصل را قبول ندارند و از آنجا که این شعار با قوانین الهی و نوامیس طبیعی هماهنگی ندارد، بسیار طبیعی است که طبق اصل پرورش دلایل تضاد ضد آن نیز در دامانش پرورده شود و شاهد قتل بندی کاذب جدیدی باشیم. امید است که بزرگان به این امر بسیار بین و روشن، توجه کافی میدول داشته و اقدامات لازم را انجام دهند تا حداقل مرگ خواهی در مسائل معرفتی متوقف شود.

پی نوشت:

۱- ن. ک. در مقاله شماره ۷۷ نشریه چشم انداز ایران، «قانون اساسی در دو سر کند»

\*\*\*

### فقده آیت الله استادی بر نظرات استصوابی

حجت الاسلام محمد سرور ش محلاتی در مقاله ای در سایت آینده با عنوان «فقده مدعی یا متدعی؟ به انتقاد آیت الله رضا استادی از نقش شورای نگهبان در تعیین صلاحیت کاندید پدها و نظرات استصوابی اشاره کرده است.

آیت الله حاج شیخ رضا استادی که مدتی عضو شورای نگهبان و مسخنگوی آن بوده و در انتخابات مجلس ششم هم نقش نظارتی به عهده داشته است به همین دلیل از ادامه حضور در شورا کناره گیری کرد. او معتقد بود: «این کار نه تنها تناسبی با مسئولیت اصلی شورا ندارد، بلکه جایگاه شورا را ارتزل می دهد، وی در خاطرات خود می گوید عقیده دارم که رد و قبول صلاحیت کاندیدهای مجلس و ریاست جمهوری نباید با شورا ی نگهبان باشد. انتخابات، تنش هایی به دنبال دارد و به جایگاه رفیع این شورا لطمه وارد می کند. در اعضای شورای نگهبان شن نرفقیه مورد اعتماد هستند که وظیفه

اصلی شان تطبیق مصوبه های مجلس شورای اسلامی با شرع مقدس اسلام و قانون اساسی است. آنها نظارت دقیقی بر این کار دارند، ولی وقتی مسئله انتخابات پیش می آید و نزاع های جناحی آغاز می شود جایگاه معنوی این شورا در کشمکش های سیاسی، خطی و جناحی قرار می گیرد و از منزلت آنها می کاهد.

شورای نگهبان نیز دروا کنش به حجت الاسلام سرور ش محلاتی اقدام به انتشار پاسخی کرده که توسط شورای فقه سیاسی بزو هشگاه اندیش سیاسی شورای نگهبان تهیه شده است. این شورا به گزارش سایت آینده توسط جمعی از اعضای مؤسسه آیت الله مصباح یزدی تأسیس شده و اداره می شود. در پاسخ شورای نگهبان آمده که منصب کار گزاران حکومت اسلامی از حقوق ولی امر است و مشروعیت کار گزاران نظام به این امر است و اگر این منصب نباشد، آنان مشروعیت ندارند و طاوغت هستند، حجت الاسلام کبکی عضو حقوقدان شورای نگهبان که این پاسخ را ارائه کرده معتقد است مشی امام (ره) نیز این گونه بوده است و شورای نگهبان منصوب ولایت فقیه به اذن و صلاحیت کار گزاران را تشخیص می دهد.

\*\*\*

علم الهدی امام جمعه مشهد: ۸۰ درصد دختران

دبیرستانی در ایران دوست سپردند!

دکتر محمود گلزاری، عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی گفت: «در ایران ۸۰ درصد دختران دبیرستانی با یک پسر دوست هستند و حتی ممکن است ارتباط جنسی هم داشته باشند که خانواده ها و مسئولان مدارس از این موضوع بی اطلاع هستند... در نامه هایی که از سوی ۵۵ درصد دختران در خصوص ارتباط های عاشقانه دریافت کرده ام مربوط به سن ۱۲ تا ۲۵ سالگی بوده و ۱۵ درصد از نامه ها مربوط به پسران بین ۱۴ تا ۱۷ ساله است.»

علم الهدی امام جمعه مشهد فسق: فجور و فساد بر جامعه مسلط شده است، حال آن که نمی دانند قبل از انقلاب وضع چگونه بوده است و این، قدر ندانستن و کفران نعمت است.

زهر اسجادی سرپرست موقت مرکز امور زنان و خانواده دولت احمدی نژاد: «از دواج دختران دانش آموز هیچ گونه مفایرتی با اسلام ندارد. دختران در سنین دبیرستانی از نظر جسمی آمادگی ازدواج دارند.»

\*\*\*

سردار فضل: اگر حادثه کوی را عامل فتنه بدانیم چفا کرده ایم

(آرمان، ۲۲ دی ۱۳۸۸)

سردار علی فضلی چانوشین رئیس سازمان سپیج مستضعفین در جلسه ستاد راهیان نور استان گیلان در رشت خاطر نشان کرد: «مولا و رهبر ما ۲۰ سال قبل هجمه فرهنگی و شبیخون فرهنگی را مطرح کرده، اما به آن بی توجهی شد و براندازی فرهنگی را مطرح کرد که باز هم فهم نشد. این فرمانده سال های دفاع مقدس گفت: اگر بعد از یک دهه حادثه کوی دانشگاه را عامل فتنه

اخیر بدانیم جفا کرده ایم، زیرا همین کانون فتنه بود که آن را بر انقلاب تحمیل کرد.

\*\*\*

### حقوق ایران در دریای خزر

(مباحثه اقتصاد انرژي، آذر ۸۸)

تا اخیر ایران در روشن کردن مواضع خود در زمینه رژیم حقوقی و دیگر مسائل دریای خزر، می تواند فرصت سوز باشد. اجلاس چهارجانبه رؤسای جمهوری چهار کشور حاشیه دریای خزر که در ۲۰ شهریور ماه گذشته در شهر بندری اوکناوه در قزاقستان برگزار شد نگران کننده بود. گرچه نظریات و موضع گیری های قزاقستان اعلام کرده که این اجلاس غیر رسمی بوده و تصمیمی بدون حضور ایران اتخاذ نخواهد شد، اما در حال صرف تشکیل چنین اجلاسی می توانست هشدار دهنده باشد.

نیاید از نظر دور داشت که زمینه حل مناقشات و رسیدن به تفاهم در میان چهار کشور دیگر حاشیه خزر، به صورت نسبی مساعدتر از این زمینه در مورد ایران و هر یک از کشورهای همسایه، پیش از فروپاشی نظام فدرالی و اتحاد جماهیر شوروی، چهار جمهوری حاشیه شمالی دریای، جمهوری های مستقلی بودند و گرچه مرزهای میان آنها مرزهای سیاسی نبود، اما مرزهای اداری بود و همواره مناقشات و اختلاف هایی در مورد دریای خزر، ذخایر و دیگر مسائل آن میان این کشورها وجود داشت و یا به وجود می آمد و این کشورها البته تحت نظر دولت مرکزی شوروی و روس ها به صورت دوره ای می نشستند، مسائل فی مابین را حل و فصل می کردند و ترتیبات اداری میان خود را تعریف می کردند. به هر حال این سابقه، زمینه ای را برای رسیدن آن کشورها به تفاهم فراهم کرده است. اگر چنین تفاهمی شکل گیرد، ممکن است ایران بار دیگر در مناسبات مربوط به دریای خزر عملاً به وضعیت دو گانه زمان شوروی سابق باز گردد.

در مورد تفاهم آب های دریای خزر، در حالی که بعضی از کارشناسان به استناد قرار داد مودت (۱۹۲۱) تجارت و بحیریمایی (۱۹۴۰) میان ایران و شوروی سابق، حاکمیت و مالکیت دولت ایران و شوروی سابق را مشاع و در واقع سهم ایران را ۵۰ درصد می دانند و برخی دیگر بر اساس خط فرضی آستاراخان - حسینقلی و یا خط فرضی تقسیم دریا بر اساس قواعد آب های بین المللی، او را قلم دیگری را مطرح می کنند. وزیر خارجه ایران در دی ماه ۱۳۸۶ برای نخستین بار اعلام کرد که حیطه بهره برداری عملی ایران از دریای خزر هرگز از ۱۱/۳ درصد فراتر نرفته است. این رقم کمترین رقمی بود که تا کنون در این رابطه مطرح شده بود و مورد انتقادات زیادی قرار گرفت، چرا که از سوی مقامی عنوان شده بود که از نظر عرف حقوقی بین المللی نظر او می توانست مورد استناد قرار گیرد که البته بعد ها تعدیل و تصحیح شد. امید است مسئولان همه سازمان های ذیربط و ویژه وزارتخانه های امور خارجه و نفت، با هماهنگی و انسجام و پیگیری های منظم و بر اساس یک نگاه جامع، بلند مدت

و راهبردی، کاری کنند که حقوق ایران در دریای خزر احقاق گردد و رسوم عادلانه و حداقلی کثیر کننده منافع ایران در دریای خزر حاصل شود.

\*\*\*

### دیپلماسی مردمی: سیاست پدر و مادر ندارد

منوچهر صبر مدت هاست که روشنفکران ارمنستان و ترکیه با استفاده از فناوری اطلاعاتی مانند ماهواره، اینترنت و... به حل و فصل اختلاف های خود بدون دخالت دولت ها از راه مذاکره می پردازند.

این روشنفکران به این نتیجه رسیده اند که دیپلماسی دولتی در پی منافع دولت هاست و جهان را به آشوب و پدیده خشن کشانده و باید جای خود را به دیپلماسی مردمی که توسط مردم اداره می شود بدهد.

مسئله مهم در روابط ترکیه و ارمنستان نسل کشی ارمنه در سال ۱۹۱۵، توسط ترکیه عثمانی است که دولت ترکیه تا امروز آن را انکار می کند و هر بار که ارمنه آن را در سازمان ملل مطرح کرده دولت ترکیه با یک بهانه یا دیگر منافع کدورتی که دارد آن را توپ کرده، غافل از آن که حافظه تاریخ را با اسکوت نمی توان پاک کرد و خوشبختانه شش ده سال پیش از این زمان، روشنفکران ترکیه برای جلوگیری از جنگ و هر گونه برخورد خصمانه دیگر با به ارمنه انداختن سیاستی به نام «پوز می خواهیم» به این نسل کشی که پدر آن آنها انجام داده اند اعتراف کرده و پوزش خواسته اند. از سوی دیگر، روشنفکران ارمنستان و جمهوری آذربایجان هم سعی دارند مسئله قره باغ از طریق مذاکره حل و فصل شود و کار به جنگ و پدیده خشن های دیگر نکشد. از نظر دیپلماسی دولتی، مردم گوشت دم توپ هستند و فقط باید چشم و گوش بسته، دستورات آنها را اجرا کنند. ما کیاولی، نظریه پرداز بزرگ حکومت های خود کامة در کتاب مشهور خود «شهریار می گویند: مهم نیست که تو را دوست داشته باشند» همین است که از توپتر مننده

دیپلماسی دولتی همیشه مردم را فریب داده و آلت دست خود قرار داده است. مثلاً سازمان آمریکایی و اروپایی چه دشمنی با مردم عراق و افغانستان دارند که حکومتی آنها را از میلیون ها کیلومتر دورتر به آنجا برده تا بکشند و کشته شوند. آنها با فریب خورده اند و یا مزدور جنگی، که در هر دو مورد اسباب تأسف است.

دیپلماسی مردم، سازمان ملل و دادگاه بین المللی لاهه را چون تابع دیپلماسی دولتی هستند قبول ندارد و حق و توبی آن سازمان را قانون جنگل می داند. مثلاً میلو سوویچ یا صدام به اتهام جنایت علیه بشریت محاکمه و اعدام می شوند، اما کسانیکس مانند بوش و بلیکر که برخلاف تمام موازین حقوقی و مخالفت سازمان ملل به عراق و افغانستان حمله کردند به کسی حساب پس نمی دهند. گویلز، وزیر تبلیغات آلمان نازی می گفت دروغ هر چه بزرگتر باشد مردم بهتر باور می کنند! بعد با دروغ و عوام فریبی، نظریه نژاد پرتر را سر هم کردند و دنیا را به آشوب کشانند.

دیپلماسی دولتی و روشنفکران را دوست ندارد چون آنها نقاد قدرت هستند و مشت آنها را باز کنند و روشنفکر و وجدان

بیل را اجتماع و رهبر دیپلماسی مردمی است و هر اندازه مردم بدبخت و بی سواد تر باشند وظیفه او هم سنگین تر است. چه بسا روشنفکران هم از مردم می خورند و هم از دولت و مانند گندمی که بین دو سنگ آسیاب گیر کرده می شوند.

مردم می گویند سیاست پدر و مادر ندارد و این اشاره به همان دیپلماسی دولتی است که امروز در سطح جهان جریان دارد و دقیقاً همان ما کیاولیس است که اعتقاد دارد هدف، وسیله را تو جیمی کند و مردم را آدم حساب نمی کند.

فرانکو، دیکتاتور مشهور اسپانیا می گفت: مردم باید کار و عبادت کنند و به عبارت دیگر جوش به فرمان آنها داشته باشند و سیاست را به سیاستمداران واگذار کنند.

اکثریت خاموش در امریکای دانند که هیچ فرقی بین حزب دموکرات و جمهوریخواه نیست و مافیای قدرت پشت پرده به موقع به رؤسای جمهوری دستور می دهد چه بکنند پس بهتر است آنها هم کاری به سیاست نداشته باشند و دنبال زندگی خود بزنند. در دوران برده داری امپراتوران و پادشاهان، برای تفریح گلابدیا تورهار را به جان هم می انداختند که تا سرحد مرگ با هم مبارزه کنند، امروز دیپلماسی دولتی به اسم مبارزه با تروریسم دنیا را به آشوب کشانده و او ایاماد را بر برابر مردمی که می گویند عراق و افغانستان، ویتنام دیگری است می گویند: باید این طور نیست. در ویتنام تنها امریکایی بود که مبارزه می کرد اما در عراق و افغانستان تمام دنیا همراه او هستند! حال به او ایاماد جایزه صلح نوبل هم می دهند.

در جنگ ویتنام روشنفکران دنیا وقتی متوجه شدند امریکای تابع قانون جنگل است و خاک ویتنام را با بمباران شخم زده مسموم کرده، داد گاهی مشکل از روشنفکران مترشاس دنیا مانند راسل، فیلسوف، ریاضیدان و فعال اجتماعی و سیاسی انگلیس به نام داد گاه فرزانگان تشکیل داده و امریکار را محکوم کردند و بعد موج اعتراض علیه امریکار را سرد دنیا گرفت و امریکار از نظر سیاسی، نظامی، اخلاقی و شکست خورد.

نمونه ای دیگر از دیپلماسی مردمی، روش زنده یاد دکتر محمد مصدق بود که مردم وادر جریان تمام امور می گذاشت؛ نخست وزیر که هیچ گاه از دولت حقوق نمی گرفت و خرج مسافرت های کابینه را غالباً خودش می داد تا به بودجه تحمیل نشود. مصدق در دادگاه لاهه، انگلستان را محکوم کرد و به شاه مرعوب انگلیس گفت: «اختیارات شما را قانون اساسی تعیین کرده و حکومت با مجلس منتخب مردم و دولت است. زمانی که شاه با کمک امریکار و انگلیس کودتا کرد، مصدق برای او بیگناه داد؛ تو خودت و مردم را بدبخت کردی».

در تحلیل نهایی، دموکراسی یعنی مشارکت مردم در امور مربوط به خود، مردم برای این مصدق را دوست داشتند که به آنها اجازه می داد در امور سیاسی و اقتصادی شرکت کنند و به همین دلیل سطح شعور سیاسی و اجتماعی مردم بسیار بالا رفت.

دنیا ی حاضر آن چنان در جنگ، بدبختی و هزاران آسیب اجتماعی و بی لای طبیعی مانند سیل و زلزله غرق است که گویی به عذاب ابدی گرفتار شده باشد.